

اتیکت

کمک کننده نابود گر نباشیم!

بعضی‌ها اصلا حال وحوصله حرف زدن ندارند و بعضی‌های دیگر اهل حرف و بحث و درددل کردن و شنیدن اند. اگر جزو گروه اول هستید، امروز کاری با شما ندارم و دسته‌دومی‌ها! روی صحبت‌م با شماست. اصول آداب اجتماعی، یک سری نکات ریز و ظریف به شما پیشنهاد می‌کند که رعایت‌شان از نان شب واجب‌تر است. چرا؟! چون کمک می‌کند نیت خوب و خیرخواهانه‌تان به نابود کردن روان دیگران منجر نشود. چطور چنین چیزی ممکن است؟ وقتی کسی رفته توی لاک خودش و حرف زدن هیچ کمکی به او نمی‌کند ولی شما اصرار دارید که «بگوچی شده. مگه من غریبه‌ام؟ می‌خوام کمک کنم»، دم شما گرم ولی از جمله اول به بعدش، زیادی است. این طور مواقع کافی است بگویید «اگه به کمک من نیاز داشتی، حتما بهم بگو» و تمام. نکته مهم بعدی، کنجکاوی نکردن است. فرض کنیم که طرف مقابل دلش خواست حرف بزند، یا دلتان باشد اوست که تصمیم می‌گیرد چه چیزهایی را بگوید و چه چیزهایی را نه. باز جو که نیستید! برای کمک کردن، لازم نیست از زیر و بم ماجرا سر در بیاورید. پس با سوال‌های خصوصی و بی‌جا، حس امنیت و اعتماد را از طرف مقابل نگیرید. اولین و گاهی تنها چیزی که هر فردی هنگام غم و مشکل و سختی نیاز دارد، گوش کردن است. پس لطفاً بی خیال ژست دانای دلسوز؛ «دیدی بهت گفتم؟»، «من اگه جای تو بودم...» شوید، جملاتی شبیه این‌ها خنجر ی است در قلب طرف مقابل.



برونده‌های مجهول

رمز گشایی کنید تا به گنج برسید!

فاطمه قاسمی | مترجم

گنج! با شنیدن این کلمه قلب خیلی‌ها به تپش می‌افتد، چشمان‌شان برق می‌زند و تمرکزشان به هم می‌ریزد اما ناپرده رنج، گنج میسر نمی‌شود. این ماجرا جوا احتمالا وقتی بفهمند راه رسیدن به گنج یک رمز گشایی اساسی است، هیجان زده‌تر هم می‌شوند. در سال ۱۸۸۵ میلادی، فردی به نام «جیمز وارد» کتابچه‌ای با نام «اسناد بیل»، در ویرجینیای آمریکا پخش و جویندگان گنج را از خود بی‌خود می‌کند. در این کتابچه نوشته شده بود: «۶۵ سال پیش، مردی به نام «توماس جفرسون بیل» گنجینه بزرگی از طلا و سنگ‌های قیمتی در نزدیکی مرز نیومکزیکو-کلرادو پیدا و آن را در جایی نامعلوم در بدفور دویلر مخفی می‌کند.» خب جیمز چرا باید دیگران را از چنین موضوعی با خبر کند در حالی که می‌تواند برای خودش نگه دارد؟ می‌فهمیم! مردم، همان طور که حدس می‌زنید، حاضر بودند این کتابچه‌ها را با هر قیمتی بخرند اما یک مشکل بزرگ وجود داشت؛ نشانی محل گنج به زبان رمز نوشته شده بود. سه متن رمز گذاری شده در کتابچه وجود داشت؛ یکی محل دقیق گنج، دیگری محتوای گنجینه و سومی صاحبان آن. جیمز هم به همین دلیل نتوانسته بود خودش به گنج دست یابد. در این میان، بیل چرا گنجی را که پیدا کرده، نفروخته و جایی

پنهانش کرده است؟ وارد می‌گوید: بیل، به طمع پیدا کردن طلاهای بیشتر، تصمیم می‌گیرد راهی محلی شود که گنج اولی را در آن پیدا کرده بود. قبل از رفتن، متن‌های رمزی را در صندوقی پیش یک مهمانخانه‌دار به امانت می‌گذارد و به او می‌گوید اگر تا ۱۰ سال بعد از او یا اطرافیان خبری نشد، جعبه را باز کند. البته بیل قرار بوده کلید کشف این رمز را بعدها به مهمانخانه‌دار برساند اما دیگر هیچ خبری از او نمی‌شود. مهمانخانه‌دار بعد از چند سال، صندوق را در اختیار دوستش قرار می‌دهد و او ۲۰ سال برای کشف رمز، وقت صرف می‌کند. بالاخره یک روز موفق می‌شود دومین متن رموز یعنی محتوای گنج را رمز گشایی کند که طبق آن، ارزش امروزی گنج حدود ۵۴ میلیون دلار برآورد می‌شود. رمزهای دیگر اما همچنان کشف نشده‌باقی می‌مانند. برخی محققان درباره درستی این داستان تردید



عکس تزیینی است

دارند. آن‌ها معتقدند که اصلا فردی به نام بیل وجود ندارد، در واقع همه او را نه در دنیای واقعی که فقط از طریق کتابچه «وارد» می‌شناسند، بنابراین وارد و بیل احتمالا یکی هستند. حتی بعضی‌ها این کتابچه را ترغیب «وارد» برای فروش متن‌های رمزی می‌دانند. یک پژوهشگر آمریکایی ادعا کرده است که رمز بیل داستانی کاملاً تخیلی است چون در نامه همراه متن‌های رمزی از کلماتی استفاده شده که در زمان نوشته شدنش، مرسوم نبوده است. به هر حال این توضیحات باعث نشده عده‌ای از تلاش برای حل معمای بیل، دست بردارند. سال‌های زیادی از این داستان می‌گذرد اما هنوز هم همان هیجان اولیه را دارد. حتی افراد زیادی مدعی پیدا کردن راه حل برای رمز گشایی هستند که البته اغلب آن‌ها سودجویی به نظر می‌رسد چون قول نوشتن این راه حل‌ها را در کتابی داده‌اند که باید از شان خریده شود.

منابع: curiosity، ancient-origins

بالتازار

چرا در فضا هیچ صدایی شنیده نمی‌شود؟

مریم ملی

بنگ‌بنگ! صدای شلیک فضاپیماها را در فیلم‌های علمی تخیلی و انفجارهای بزرگی که در پی آن رخ می‌دهد، همه ما شنیده‌ایم. به ظاهر چیز عجیبی نیست چون هر انفجار و شلیکی به هر حال صدا تولید می‌کند. در فیلم‌های علمی تخیلی حوزه فضا، می‌بینید که فضا نوردان به راحتی در فضا صحبت می‌کنند و صدای یکدیگر را می‌شنوند. مدام صدای رد شدن فضاپیماهای غول آسا در پس زمینه فیلم شنیده می‌شود و هر انفجار هم صدایی گوش کرکن دارد. صدایک موج صوتی است، این امواج برای شنیده شدن باید در محیطی منتشر بشوند که در آن ماده وجود داشته باشد. فرقی نمی‌کند ماده جامد باشد یا مایع و گاز. صوت به کمک ذرات ماده منتقل می‌شود یعنی



جایی که هیچ ماده‌ای وجود ندارد موج صوتی نمی‌تواند حرکت کند و در نتیجه شنیده نخواهد شد. مثل این است که شما و دوستان‌تان صفی تشکیل بدهید و یک توپ را از اول صف تا آخر صف دست به دست کنید. توپ می‌تواند نماینده صوت باشد که

خیلی خوب و دقیق می‌شنوید ولی صدای صحبت‌های افراد داخل خیابان برای‌تان واضح نیست. در فضا خلأ وجود دارد یعنی ماده‌ای نیست که بتواند موج صوتی را منتقل کند. شاید بپرسید پس این همه ستاره و سیاره که در فضا هستند چی؟ مگر آن‌ها ماده نیستند؟ خب در این صورت زدید به هدف؛ چون فضا بسیار بزرگ است و فاصله ستاره‌ها و سیاره‌ها از هم خیلی زیاد است و محیط‌های بین آن‌ها کاملاً خالی از هر ماده‌ای است و به اصطلاح می‌گویند در فضا خلأ وجود دارد. در نتیجه موج صوتی نمی‌تواند توسط ذرات ماده دست به دست شود و هرگز شنیده نمی‌شود البته این شانس ماست چرا که اگر اگر بار بود صوت در فضا شنیده بشود، احتمالا همه ما تا حالا از شنیدن صدای انفجارهای هسته‌ای داخل خورشید که شده بودیم.

کاری



بستنی‌ها آرزوهای ساده‌ای دارند؛ دراز کشیدن زیر آفتاب بدون آب شدن!
اثر: Brock Davis

سیگنال

چه کنیم که اینترنت مان دود نشود و به هوا نرود؟

مریم ملی | روز نامه نگار

مطمئن هستید این حجم از اینترنت را در یک زمان کوتاه مصرف نکرد اید. خانواده‌ها هم معتقدند کسی از فضا نیامده و حتماً یکی توی همین خانه آن را مصرف کرده است اما نه آن قدر دانلود داشتید و نه اینستاگردی زیادی کرده اید که بخواد چنین حجمی را مصرف کند. پس دقیقاً چه اتفاقی برای اینترنت‌تان افتاده است؟ لایند خیلی از شمارش‌های مختلف مقابله با این قضیه را بلد هستید اما برای کسانی که ممکن است هنوز راهی برای جلوگیری از دود شدن اینترنت‌شان نیافته‌اند، چند روش کوتاه و کاربردی معرفی می‌کنیم. اول این که تلگرام‌تان را باز کنید و وری سه خط بالای سمت چپ بزنید. وارد قسمت تنظیمات شوید و گزینه Data & Storage را المس کنید. در بخش Automatic media download سه گزینه وجود دارد. گزینه When using mobile data، برای تنظیم وضعیت دانلود خود کار فایل‌ها در شرایطی است که از اینترنت سیم‌کارت یا همان داده‌های تلفن همراه استفاده می‌کنید. گزینه When connected to Wi-Fi مربوط به تنظیم وضعیت دانلود خود کار فایل در شرایطی است که از وای‌فای استفاده می‌کنید و در آخر گزینه When roaming که مربوط به استفاده از اینترنت رومینگ است. اگر هم می‌خواهید کلاً حالت دانلود خود کار را ببندید باید تیک تمام گزینه‌ها را بردارید. همین کار را می‌توانید برای برنامه واتس‌آپ انجام بدهید، فقط کافی است در قسمت منوی تنظیمات، انتخاب کنید به بخش Data Usage بروید. همان مراحل قبلی این جا هم وجود دارد که می‌توانید انتخاب کنید دانلود با اینترنت داده‌های تلفن‌تان انجام بشود یا با وای‌فای یا هیچ کدام. با این روش، پیام‌رسانی که شما از آن استفاده می‌کنید به هیچ عنوان بدون اجازه‌تان چیزی دانلود نمی‌کند و حق دارید تصمیم بگیرید حجم اینترنت‌تان را برای چه محتوایی خرج کنید.

وی

نوجوانی شروع یک موفقیت بزرگ

فاطمه قاسمی

«خب اون که نابغه است» «اینم که بچه پولداره» «اووه اووه! اون خانواده‌اش حامیش بودن» این جمله‌ها واکنش بعضی‌های ما به موفقیت و ثروت و محبوبیت آدم‌های خفن روزگار است. مثلاً همین زاک‌برگ، موسس فیس‌بوک که حالا برای خودش کسی است و این موقعیت را -بیشتر از این که به حدس و گمان‌های ما ربط داشته باشد- تا حد زیادی مدیون نوجوانی‌اش است. مارک‌آ ۱۲ سالگی شروع به برنامه‌نویسی می‌کند. اولین کار حرفه‌ای‌اش طراحی یک برنامه پیام‌رسان به اسم «زاکنت» برای شرکت پدرش بود. وارد دبیرستان که می‌شود برنامه جالبی می‌سازد به اسم «سیناپس» که قادر است علاقه موسیقی کاربر را حدس بزند. جالب آن که مایکروسافت مشتری این برنامه می‌شود و یک میلیون دلار برای آن به مارک پیشنهاد می‌دهد که البته او نمی‌پذیرد. این پسر خوره را، یانه، قبل از این که وارد دانشگاه شود، شروع می‌کند به زبان یاد گرفتن؛ فرانسه، عبری، لاتین و یونانی. خودش درباره نوجوانی‌اش می‌گوید: «من دوستان نقاش زیادی داشتم که پیش من می‌آمدند و چیزهایی می‌کشیدند و من از نقاشی‌های‌شان، بازی می‌ساختم. در حالی که بقیه بچه‌ها بازی رایانه‌ای سرگرم بودند، من به این ادعای بازی‌ها فکر می‌کردم». به این ترتیب تا قبل از جوانی، تقریباً از لحاظ اطلاعات و عادت به تلاش و شکست خوردن، بار خود را می‌بندد. سال دوم دانشگاه، ایده فیس‌بوک به ذهن‌اش می‌رسد. فضایی که ابتدا قرار بوده فقط جایی برای دانشجویان باشد تا مطالب‌شان را با هم به اشتراک بگذارند ولی به‌انکای دانش قبلی مارک‌آ، یک پروژه دانشجویی به یکی از محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی مجازی تبدیل می‌شود. راستی تا حالا کنجکاو شده اید که چرا تریک‌رنگ فیس‌بوک آبی است؟ مارک نسبت به رنگ‌های قرمز و سبز دچار کوررنگی است و همین باعث شده تأیید بهتری به رنگ آبی داشته باشد و این رنگ را به عنوان رنگ قالب فیس‌بوک انتخاب کند. حالا زاک‌برگ ثروتمندترین جوانی است که دیگر می‌دانیم دارایی‌اش را همین طوری الکی به دست نیآورده است.



این مامان بزرگ‌ها و بابا بزرگ‌های دوست داشتنی

